

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۹ جون ۲۰۱۵

مجلس سی و یکم (در قهر پسندیده و ناپسند)

شامگاه روز هجدهم جمادی الاول سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله تعالی عنه) چنین فرمودند: اگر قهر و غضب از جانب خداوند باشد، پسندیده است، اما از سوی غیر خدا زشت است. مؤمن اگر خشمگین شود برای خداست نه برای ارضای نفس خویش. اگر خشمناک می شود، به منظور کمک به دین است، نه به خاطر خویشتن، هرگاه ببیند که یکی از اوامر شرع مهمل شده است، چنان خشمگین و غضبناک می گردد، گوئی پلنگی است که شکارش را از او گرفته اند.

پس تو قهر و غضب خود را که به خاطر خوداست به خداوند نسبت مده، که در اینصورت از زمره منافقان خواهی بود. نشان این غضب شخصی آنست که زود زایل می گردد، زیرا اگر برای رضای خدا بود بزودی از بین نمی رفت. پس هرگاه در اجرای اوامر خداست به کاری زدی، اول هوای نفس را از خود بدور کن، و تنها رضای خدا را منظور نظر بدار. در هر کاری رضای خدا، امتثال امر شریعت، یا الهام خدائی که بر قلبت رسیده است. باید محرک و مشوق تو باشد. از هوای نفس، از دنیا، و از خلق دنیا دوری گزین تا به قرب حق آرامش و آسایش نهفته است و شخص در این مرحله است که تمام نیرگیهای قلب را، به صفا و روشنائی بدل می سازد.

تو نیز به همراهی قوم راستان قدم بردار، به مانند آنان بنگر، مثل آنان عمل کن، تا ایشان نیز به تو مباحثات نمایند. همچنان که تو به وجود آنها مفتخری و ملک مطلق هم در بین تمامی بندگان بادیده رضایت به تو بنگرد. قلبت را از غیر خدا پاک گردان، چون تو بادل خدا را می نگری، بدان که دلی شایسته این دیدار است که از آلودگیهای مادی به کلی پاک شده باشد. و با همین دیداست که افعال و اعمال خدا را نسبت به بندگان مشاهده می کنی. همانگونه که با وضع نامناسب ظاهر نمی خواهی نزد ملوک و سلاطین دنیوی حاضر شوی، پس نباید با باطنی نجس و دلی ناپاک در پیشگاه پادشاه پادشاهان حاضر گردی، پادشاه پادشاهان ذات اقدس حق تعالی است، که باید در مقابلش به گونه ای حاضر شد که لازمه مقام اقدس اوست.

بی اخلاص و افسرده دلی، باتو چکار می توان کرد؟ قلبت را تطهیر نما، تالیافت حضوریابی. در دلت شوق گناه، خوف از خلق، امید بدیشان، و حب دنیا نهفته است، تمام اینها پلیدیهای قلب است که باید در فکر پاک کردن آنها باشی، و این در صورتی ممکن است که ابتداء هوای نفس را کنترل نمایی، و توکل به خلق را از دل بدر کنی، در اینصورت قلبت پاک می گردد! و دیگر توجهی به اقبال و ادبار مردم نخواهی داشت. ولی تازمانی که از پلیدیهای قلب یکی در توباقی باشد، و خود از آن آگاه باشی، قصد رسیدن به حق رامکن، زیرا مورد قبول واقع نمی شود، تا وقتی که به مدح و ذم مردم، و به عطا و منع آنان اعتناء داشته باشی، به جایی نمی رسی. اما هرگاه توبه ات به صحت و کمال رسید، ایمانت نیز زیاد می

شود، چه در نزد اهل سنت ایمان کم و زیاد می شود، و زیاد شدن آن ب وسیله طاعت و بندگی امکان پذیر است و توسط گناه و معصیت نقصان حاصل می کند، البته این موضوع در احوال عوام صادق است، زیرا خواص را ایمان به خروج خلق از دل زیاد می شود، و به دخول خلق در دل نقصان می یابد. به سکون و آرامش قلبی که خداوند عنایت فرماید زیاد می گردد، و به عنایت خلق نقصان می پذیرد. پس خواص در هر حال به خدا متوکلند، بدو استناد می کنند، از او خوف دارند، او را به یکتائی می ستایند، واحدی را شریک و انباز او نمی گیرند، توحیدشان در دل استوار می باشد، و با خلق خدائیز مدارامی کنند، اگر گرفتار جهل جاهلی آمدند باصبر و شکیبائی با آن برخورد می نمایند. خداوند عزوجل فرموده است: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»- در برابر جهل جاهل لازم است خاموشی و بردباری نشان دهی، و از طغیان هوای نفسانی آنان بر حذر باید بود.

اما هرگاه دیدی اقدام به عصیان و نافرمانی کردند، دیگر خاموش مباش، چون سکوت در برابر معصیت حق حرام است. و دفاع از حق عبادت و سکوت گناه.

هرگاه به امر به معروف و نهی از منکر قادر بودی، کوتاهی مکن چون آن بابی است از ابواب رحمت حق که بر روی مؤمن گشوده می شود، پس سعی نما که به آن داخل شوی.

منقول است که حضرت عیسی علیه السلام، از گیاهان خوراکی صحرا تغذیه می کرد و از آبگیره آب می نوشید، و در غارها و ویرانه ها می خوابید، و به گاه خواب به جای بالش، سنگی زیر سر می نهاد. مؤمن نیز در راه رسیدن به خدا اینگونه از لذایذ دنیا چشم می پوشد، و اگر هم بهره ای از دنیا برایش مقرر شده بود آنرا ضرورتاً و به دستور شرع مورد استفاده قرار می دهد. ولی در هر حال قلبش به خدا مشغول است، چه هرگاه زهد واقعی در دل تمکن یافت، دنیا و ظواهر آن قادر به زایل کردن آن نمی باشد، زیرا مؤمن اگر چه ممکن است به دنیا و لذایذ آن توجه نماید، اما هیچ گاه باطنش بدانها مشغول نخواهد شد، و لحظه ای از یاد خدا غفلت نخواهد کرد، چون خدای عزوجل دید شناخت عیوب نفس و شهوات را بدو اعطا فرموده است. شب و روز در فکر و ذکر و عبادت است، و بادل بینا از توجه به دنیا نادم و پشیمان. به وسیله کتاب و سنت ارشاد اولیا نسبت به تمامی عیوب و زشتیهای دنیا اطلاع حاصل کرده است و هرگاه به آنها می نگرد، ناپایداری آن و زخارفش را مدنظر قرار می دهد. به خوبی می داند که نعمتهای دنیا زایلند و محاسنش متغیر، و اخلاقی زشت و ناپسند، و دستهای مکار و برنده، گفتارش زهر آگین، شیرینیهایش گذرا و غیر قابل برگشت، نه بنیانی دارد، و نه به عهدی پایبند است، تکیه کردن بدان مانند ساختن خانه است بر آب که قرار وثباتی ندارد. با گذرا زین موانع مؤمن ارتقاء پیدا کرده، و خدارا می جوید و می شناسد، در اینچنین حالتی آخرت را نیز در نظر نمی آورد، و تنها و تنها به قرب مولا دل می بندد، و جز قرب چیز دیگری نمی خواهد. قرارگاه و مکان سکناش همان قرب مولای خود، چه در دنیا و چه در آخرت. در این حال دیگر عمارت دنیا برایش ضروری ندارد، اگر هزار ساختمان هم بنا نموده باشد. او امر خدای رابه جای می آورد و با قضا و قدر الهی کاملاً سازگار است. به خدمت خلق قیام می کند، و برای رفاه و راحت مردم تلاش می نماید.

در فکر تهیه غذای مردم است و خود ذره ای از آن تناول نمی کند، زیرا او غذای مخصوصی دارد، که کسی را در آن شریک نیست. به هنگام خوردن دیگران، او روزه است، و به وقت طعام خود مفطر.

روزه زاهد خودداری از خوردن و آشامیدن است، و روزه عارف دوری از آنچه غیر از شناخت خداست. عارف همواره گرسنه است و از دست کسی جز رازق حقیقی خود چیزی نمی ستاند. درش بعد و دوری از حق و درمانش قرب حق است. روزه زاهد در روز است و روزه عارف شبانه روز. وقتی روزه رامی گشاید که به لقای الله نایل گردد. عارف همیشه روزه دار است و همواره در حال تب و حمی، و امیدوار است که روزی لقای الله او شرفابخشد.

(یاغلام) اگر طالب رستگاری هستی خلق را زدل بدرکن، خوف و رجابت از خلق نباشد. بدانان انس مگیر، و از ایشان باحال نفرت بمانند این که از مرداری می گریزی، بگریز، هرگاه چنین کردی بدان که به اطمینان خاطر و قلب مطمئن رسیده ای، و از ذکر غیر خدادل کننده ای، فقط به ذکر و یاد او خواهی پرداخت.

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار». آمین